

نگاهی به کتاب شبرنگ بهزادی نوشته سودابه فضایی

اسب،

اسطوره، نماد

ندا عابد

شبرنگ بهزاد
وزیرای اسب در هیئت پهلوی اسطوره‌ای و حماسی
شاهای جام و جام‌سنلو / سرزادی و رویش



نگاه



دوران قبلی خود پیوند دارند و از آن‌ها نشأت گرفته‌اند.

او پس از بحثی مختصر در باب نمادشناسی و در پیشگفتار کتاب، در فصل اول به اسب و نمادهای کلی این موجود در اساطیر قصه‌های پریان پرداخته و در مورد اهمیت و ضرورت بررسی نمادهای اسب می‌گوید: «علت اهمیت بررسی نمادهای اسب، حضور دایمی آن در تمامی آیین‌ها و باورها و حضور دایمی آن در ناخودآگاه آدمی، روایا، ادبیات و هنرهای خرافه‌هاست.» و می‌گوید:

«اسب یک الگوی ازلی است و در تمامی قصه‌ها و اسطوره‌ها، گاه مرگ و گاه زنده‌گی را بر پشت خود حمل می‌کند.» فضایی سپس به بررسی نقش اسب در اساطیر یونان می‌پردازد و پس از آن نقش اسب سرخ را در قصه امیرالمومنین و حمزه و اسب سه چشم او که سرخ رنگ بود، می‌پردازد. بخش بعدی شرحی درباره سنگ شده‌گی و آتش زدن موی پال و دم است و در پی آن اسب آبی و بادی را بررسی می‌کند و در این قالب قصه‌های حضرت ابراهیم (ع) اسب بر باد و مادبان چهل کره مورد بررسی فضایی قرار می‌گیرد.

اسب‌های سختگو و روشن ضمیر نیز در بخش بعدی در قصه‌های پریان بررسی می‌شوند. در این بخش حماسه قریزی «ارتوشک قهرمان» - قصه یونانی «پگاسوس» یا اسب بالدار و قصه‌های مربوط به اسب‌های روشن ضمیر در اروپای شرقی، خراسان، افسانه‌های شمن‌های آمریکا و بوریات‌های سیبری بررسی می‌شود. مسخ انسان به صورت اسب، ذبح اسب، نذر و اسب نیز سایر بخش‌های این قسمت از کتاب هستند.

فضایی در قسمت بعدی، به سراغ چند اسب معروف در عرصه تاریخ - دین و اسطوره می‌رود، از جمله: رخس و همذات‌هایش تیشتر (خدای باران زرتشتی‌ها) - براق (اسب حضرت رسول (ص) در شب معراج) - دلدل

سودابه فضایی، برای آنان که اهل مطالعه‌ی جدی هستند، نامی است آشنا. «فرهنگ گریاب» و «فرهنگ نمادها» دو کتاب معروف تر او هستند که نشان از سخت کوشی و دانشی دارند که به یقین متعلق به نسلی بود که آسان‌اندیشی و آسان‌یابی را در عرصه تحقیق و نگارش گناهی نابخشودنی می‌دانست. به هر حال به علت وجود همین خصیصه هم شاید هست که جدیدترین نوشته سودابه فضایی که (البته روند چاپ آن بیشتر از دو کتاب اخیرش طول کشید و بعد از آن‌ها منتشر شد) یعنی «شبرنگ بهزاد» نیز تحقیقی است همه جانبه و خواندنی در زمینه نقش «اسب» در ادبیات و اساطیر ایرانی - یونانی و ... آن چه کتاب به عنوان معرفی اولیه و بلافاصله پس از نام بر روی جلد کتاب نوشته شده این است: «رمز پردازی اسب در روایات پریانی، اسطوره‌ای و حماسی نمادهای جام حسنلو / سرسپاری و رمزهایش» که در واقع این عنوان در برگزیده‌ی سه بخش تشکیل دهنده کتاب شبرنگ بهزاد است و طبق معمول فضایی پیوسته‌ها و ارجاعات بسیار دقیقی را در بیش از ۲۰ صفحه به خواننده‌ی اهل تحقیق ارائه می‌کند، تا کوچکترین شبهه‌ای از نظر منابع و مآخذ باقی نماند. کتاب همچنین مجموعه‌ای از عکس‌های رنگی و سیاه و سفید مربوط به تصاویر خسرو پرویز و شبدیز - شمایل امام حسین (ع) سوار بر ذوالجنح - رخس و فردوسی و ... در نقاشی‌های ایرانی را در خود دارد.

در نخستین صفحه فضایی چنین می‌گوید: «اگر تمدنی فاقد نماد باشد، مرده است چرا که از روح خود خالی شده و بدیهی است که هرگز ماده‌ای بدون روح، هست، می‌ماند و جبراً عدم می‌شود و ...»

و سپس به تعریف «رنه الندی» استناد می‌کند و می‌گوید: «نماد عمده‌تأجیزی کمابیش عینی است که جایگزین چیزی دیگر شده و به همین جهت بر معنایی دلالت دارد ...»

و ادامه می‌دهد هر جماعتی و هر دوره‌ای نمادهای خاص خود را دارد که قطعاً با نمادهای

- ذوالجنح و سایر اسب‌های فاجعه کرنا، اسب سیاوش (یا همان شبرنگ بهزاد) - شبدیز (اسب خسرو پرویز) و ... در بخش دوم کتاب یعنی «نمادهای جام از منظر جهانی» نویسنده به بررسی نقش جام در ادیان و اساطیر مختلف و سپس شکل جام‌ها - نمادشناسی و رمزپردازی آن‌ها در میان ملل و اقوام مختلف می‌پردازد. در این بخش انواع نقوش روی جام‌ها در اروپای شمالی - یونان - در بین زرتشتیان و ... بررسی می‌شود.

و سرانجام در بخش سوم، یعنی «سرسپاری و رمزهایش»، نویسنده به بررسی تاریخی، چگونه‌گی و رمز و راز آیین سرسپاری در میان ملل و نحله‌های مختلف فکری و باطنی می‌پردازد و به بررسی مراحل مختلف سرسپاری یعنی: تصمیم‌گیری - عبور از در - مرحله مرگ - مرحله جنینی - آیین طهارت - مرحله نوزادی - آگاهی پس از تولد دوباره، نقش بلد یا راهنما و فرقه و کسوت در آیین‌ها و در بین اقوام مختلف می‌پردازد. این کتاب مجموعه‌ای از مطالب خواندنی و درجه‌ای است که رمزه‌های بسیاری را در زمینه اساطیر و نمادها در بین ملل مختلف بر خواننده می‌گشاید.

اقدام نشر جیحون، در انتشار کتاب‌هایی از این گونه، در شرایط موجود که برخی از ناشران تنها به دستاویزی برای چاپ و کتاب‌های کم ارزش ادبی تبدیل شده‌اند، شایسته تقدیر و ارج گذاری است، چرا که یقیناً کتاب‌هایی از این گونه، علی‌رغم بار تحقیقاتی ارزشمندی که دارند متأسفانه هیچ‌گاه نمی‌توانند جمله‌جادی (کتاب) پر فروش ماه یا سال) را بر پیشانی داشته باشند و مجاهدت ناشرانی که این گونه کتاب‌ها را چاپ می‌کنند، جز از علاقه‌ای درونی که تنها انگیزه سخت می‌تواند باشد، بر نمی‌آید.